

پیش بینی هوش هیجانی بر اساس مهارت‌های تنظیم هیجان، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین در نوجوانان پسر پایه یازدهم ناحیه سه شهر اصفهان

نوشین صلاحی اصفهانی^۱، راضیه ایزدی^۲، محمدرضا عابدی^۳

^۱ کارشناس ارشد مشاوره خانواده، مؤسسه آموزش عالی صفاهان، اصفهان، ایران

^۲ دکترای روانشناسی، استادیار مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی صفاهان، اصفهان، ایران

^۳ دکترای مشاوره، استاد گروه مشاوره، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول:

نوشین صلاحی اصفهانی

چکیده

هوش هیجانی در نوجوانان، می‌تواند گذر بهتر از دوران نوجوانی را در پی داشته باشد؛ به این ترتیب به نظر می‌رسد با شناخت عوامل مرتبط با هوش هیجانی در نوجوانان، بتوان به گام‌های موثری در زمینه تربیت و پرورش این گروه برداشت. بنابراین هدف از این پژوهش پیش بینی هوش هیجانی بر اساس مهارت‌های تنظیم هیجان، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین در نوجوانان پسر پایه یازدهم ناحیه سه شهر اصفهان بوده که به روش همبستگی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را ۱۱۳۵ زوج مادر/پدر-نوجوان پسر پایه یازدهم در ناحیه سه در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در شهر اصفهان تشکیل داده‌اند. نمونه پژوهش، بر اساس جدول مورگان، ۲۸۵ زوج مادر/پدر-نوجوان پسر بوده‌اند که به روش نمونه گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار پژوهش پرسشنامه هوش هیجانی (EQ-i)، پرسشنامه تنظیم هیجان (ERQ)، پرسشنامه تحمل پریشانی (DTS) و پرسشنامه کارکرد تاملی والدین (PRFQ) بوده‌اند. تحلیل آماری به روش رگرسیون چندگانه و با استفاده نسخه بیست و چهارم نرم افزار SPSS انجام شده است. نتایج نشان داده است که تحمل پریشانی، ارزیابی مجدد، فرونشانی و کارکرد تاملی والدین قادر به پیش بینی معنادار هوش هیجانی در نوجوانان هستند ($p < 0.05$). به نظر می‌رسد هوش هیجانی نوجوانان متأثر از مهارت‌های تنظیم هیجان، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین است. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش، از بین ابعاد مهارت‌های تنظیم هیجان (ارزیابی مجدد و فرونشانی)، از بین ابعاد تحمل پریشانی (تحمل پریشانی هیجانی و جذب شدن به وسیله هیجانات منفی) و از بین ابعاد کارکرد تاملی (کنجکاوی پیرامون حالات ذهنی و تلاش برای درک حالات ذهنی) قابلیت پیش بینی هوش هیجانی را دارند ($p < 0.05$).
واژگان کلیدی: هوش هیجانی، مهارت‌های تنظیم هیجان، تحمل پریشانی، کارکرد تاملی

مقدمه

هوش هیجانی^۱، اصطلاح فراگیری است که مجموعه‌ی گسترده‌ای از مهارت‌ها و خصوصیات فردی را در بر گرفته و به طور معمول به آن دسته مهارت‌های درون فردی و بین فردی اطلاق می‌گردد که فراتر از حوزه‌ی مشخصی از دانش‌های پیشین، چون هوشبهر و مهارت‌های فنی یا حرفه‌ای است. هوش هیجانی از آخرین مباحث متخصصین در خصوص درک تمایز بین منطق و هیجان بوده و برخلاف مباحث اولیه در این جا، فکر و هیجان به عنوان موضوعاتی برای سازگاری و هوشمندی تلقی شده است (گارسیا-سانچو، سالگوئرو و فرناندز-بروکال^۲، ۲۰۱۴).

اصطلاح هوش هیجانی برای نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط دو روان‌شناس به نام‌های مایر و سالووی^۳ مطرح شد. آنان اظهار داشتند، کسانی که از هوش هیجانی برخوردارند، می‌توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کرده، بین پیامدهای مثبت و منفی عواطف تمایز گذارند و از اطلاعات عاطفی برای راهنمایی فرایند تفکر و اقدامات شخصی استفاده کنند. گلن^۴ (۱۹۹۵) اولین کسی بود که این مفهوم را وارد عرصه سازمان نمود و آن را استعداد، مهارت و یا قابلیت دانست که عمیقاً تمامی توانایی‌های فردی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (کارت^۵، ۲۰۱۰، ترجمه‌ی امیری‌نیا و آقازاده، ۱۳۹۳). در مدل گلن به طور خلاصه پنج حوزه اساسی هوش عاطفی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ شناخت هیجان‌ها و احساسات خود (خودآگاهی^۶)؛ مدیریت هیجان‌ها و احساسات خود (خودمدیریتی^۷)؛ خودانگیزی؛ تشخیص و درک هیجان‌ها و احساسات دیگران (دیگر آگاهی^۸) و مدیریت رابطه با دیگران (دیگر مدیریت^۹) (گلن، ۲۰۰۰، ترجمه‌ی پارسا، ۱۳۸۹). به طور کلی امروزه ثابت شده است که این سازه، در برگیرنده‌ی دو هوش متفاوت و شامل هوش درون فردی و هوش بین فردی است؛ عناصر درونی آن عبارت از خودآگاهی، خودکنترلی، احساس استقلال، ظرفیت خودشکوفایی و قاطعیت و عناصر بیرونی شامل روابط بین فردی، سهولت در همدلی و احساس مسئولیت است (دریگاس و پاپوتسی^{۱۰}، ۲۰۱۸).

هوش هیجانی می‌تواند در دوران نوجوانی بسیار حائز اهمیت باشد؛ زیرا هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌های فرد در درک و مدیریت هیجان‌ها و ابراز مناسب پاسخ‌های هیجانی می‌باشد که در برخی شرایط به عنوان راهبرد مقابله عمل می‌کند. همچنین این متغیر متضمن تجربه‌های هیجانی و شیوه‌ی مواجهه و انطباق با رویدادهای محیطی و نشان دهنده کارایی هر فرد در برخورد با مسائل فردی و اجتماعی است (انسولا، رولتا، روز و ساراسا^{۱۱}، ۲۰۱۷). هوش هیجانی کمک می‌کند تا نوجوان با مدیریت بحران‌های دوره نوجوانی، به حل مسئله مطلوب بپردازد. بدیهی است نوجوانانی که می‌توانند هیجان‌ها را مدیریت و تنظیم کنند راحت‌تر می‌توانند حالت‌های هیجانی منفی را از طریق جایگزین کردن فعالیت‌های خوشایند جبران کنند و در نتیجه با مشکلات کمتری مواجهه شده و زندگی بهتری خواهند داشت (ناصرقلی بافقی، ملایی و حسن زاده، ۱۳۹۵). به این ترتیب به نظر می‌رسد با شناخت عوامل مرتبط با هوش هیجانی در نوجوانان، بتوان به گام‌های موثری در زمینه تربیت و پرورش این گروه برداشت.

اولین سازه‌ای که به نظر می‌رسد مرتبط با هوش هیجانی باشد، مهارت‌های تنظیم هیجان^{۱۲} است (اکستیریمرا، سانچز-الوارز و ری^{۱۳}، ۲۰۲۰). تنظیم هیجان را می‌توان به صورت فرایندهایی تعریف کرد که از طریق آن، افراد می‌توانند بر اینکه چه هیجانی داشته باشند، چه وقت آن‌ها را داشته باشند، و چگونه آن‌ها را تجربه و ابراز کنند، تاثیر بگذارند (زیسبرگ و رایز^{۱۴}، ۲۰۱۹). به بیان دیگر تنظیم هیجان به منزله فرایندهای درونی و بیرونی است که مسئولیت کنترل، ارزیابی و تغییر واکنش‌های عاطفی فرد را در مسیر تحقق یافتن اهداف او بر عهده دارند. این مفهوم گسترده، فرایندها و راهبردهای تنظیمی بی شماری را در بر می‌گیرد که شامل ابعاد شناختی، جسمی، اجتماعی و رفتاری می‌شود (محمودی، بساک نژاد و مهرابی زاده هنرمند، ۱۳۹۵).

در واقع تنظیم هیجانی به عنوان فرآیند شروع، حفظ، تعدیل یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرایندهای اجتماعی، روانی و فیزیکی در به انجام رساندن اهداف، تعریف می‌شود (ویمز و وپینا^{۱۵}، ۲۰۱۰). مهارت‌های تنظیم هیجان مسبب ایجاد رفتارها و فکری است که به افراد این امکان را می‌دهد که از نوع هیجانی که دارند، آگاه شوند و بدانند چه هنگام این هیجان‌ها در آن‌ها بوجود می‌آید و چگونه باید آن‌ها را بروز دهند (گراس، شپس و آری^{۱۶}، ۲۰۱۱). تنظیم هیجان باعث می‌شود نوجوانان نسبت به هیجان‌ها جدیدی که در شرایط مختلف ایجاد می‌شود با انعطاف پذیری پاسخ دهند و این انعطاف پذیری با سلامت روان همبستگی بالایی دارد (ساندهو و کاپور^{۱۷}، ۲۰۱۳؛ کشدان و روتنبرگ^{۱۸}، ۲۰۱۰).

¹⁰. Drigas & Papoutsis

¹¹. Esnaola, Lorena Revuelta, Ros & Sarasa

¹². emotion-regulation

¹³. Extremera, Sánchez-Álvarez & Rey

¹⁴. Zysberg & Raz

¹⁵. Weems & Pina

¹⁶. Gross, Sheppes & Urry

¹⁷. Sandhu & Kapoor

¹⁸. Kashdan, & Rottenberg

¹. emotional intelligence

². García-Sancho, Salguero & Fernández-Berrocal

³. Mayer & Salovey

⁴. Goleman

⁵. Carter

⁶. self-awareness

⁷. self-management

⁸. other awareness

⁹. other managerial

نوجوانانی که در تنظیم هیجانی قابلیت بیشتری دارند، مهارت‌های اجتماعی بالاتری را نشان می‌دهند و بنابراین حمایت اجتماعی بیشتری هم دریافت می‌کنند. مهارت‌های تنظیم هیجان به نوجوانان کمک می‌کند سازگاری روان شناختی، رضایت شخصی، احساس شایستگی، کارآمدی اجتماعی و موفقیت تحصیلی بیشتری داشته باشند و به طور کلی در سلامت روانی و جسمی نوجوان موثر است (ماروکوئین^۱، ۲۰۱۱؛ شوپس، ویلانوا، پرادو-گاسکو و مونتویا-کاستیلا^۲، ۲۰۱۸). نتایج پژوهش پنا-ساریوناندا، میکولاجزاک و گراس^۳ (۲۰۱۵) نشان داد که افراد با هوش هیجانی بالاتر، در مسیر شکل‌دهی احساسات خود، استراتژی‌های زیادی در دسترس دارند که می‌توانند در مواقع لازم با موفقیت و انعطاف پذیری بالا، آنها را تنظیم نمایند. گوتیرز-کوبو، کابلو و فرناندز-بروکال^۴ (۲۰۱۶) نیز در این زمینه بیان داشته‌اند هوش هوش هیجانی می‌تواند توانایی تنظیم و پردازش هیجانات منفی را بهبود بخشد. بنابراین به نظر می‌رسد مهارت‌های تنظیم هیجان و هوش هیجانی در نوجوانان در ارتباط نزدیک با هم باشند.

یکی دیگر از عوامل مورد بحث در زمینه هوش هیجانی، که در ارتباط با تنظیم هیجانات نیز مورد مطالعه قرار گرفته است، تحمل پریشانی است (وردن^۵، ۲۰۱۹؛ ویلکس، پولرت، زیلینسکی، شاور و هیل^۶، ۲۰۱۶). تحمل پریشانی مفهومی به نسبت نو ظهور است که به عنوان یکی از سازه‌های رفتار درمانی دیالکتیکی^۷ توسط لینهان^۸ (۱۹۹۳) برای درمان اختلال شخصیت مرزی مطرح شد (لینهان، ۱۹۹۳). این مهارت بر پذیرفتن واقعیت، بدون تلاش برای تغییر آن مبتنی می‌باشد (بیرامی، هاشمی، بخشی پور، محمود علیلو و اقبالی، ۱۳۹۳). تحمل پریشانی میزان توانایی تجربه و تحمل ناراحتی‌های هیجانی و موقعیت‌های روان شناختی منفی می‌باشد (سیمونز و گاهر^۹، ۲۰۰۵). به عبارتی تحمل پریشانی ظرفیت ادراک شده برای مقاومت در برابر شرایط سخت و ناگوار است و به حالتی اطلاق می‌شود که افراد بتوانند هیجان‌های منفی خود را درک کرده و در برابر آن تاب بیاورند (مقیسه و عبداللهی، ۱۳۹۷). ابعاد تحمل پریشانی متعددی در ادبیات آسیب شناسی روانی کاربردپذیر شده و مورد مطالعه قرار گرفته است اما به طور کلی مدل یکپارچه تحمل پریشانی پنج مورد ابهام^{۱۰}، باتکلیفی^{۱۱}، ناکامی^{۱۲}، هیجانات منفی^{۱۳} و احساس‌های بدنی^{۱۴} را شامل می‌شود (زاوالنسکی، ووجانویچ، برنستی و لیرو^{۱۵}، ۲۰۱۰).

به عقیده‌ی لینهان تحمل درد و پریشانی به دو دلیل هدف بنیادین سلامت روان است؛ اول آنکه چون پریشانی را نمی‌توان کاملاً حذف کرد یا از آن دوری جست و توانایی پذیرفتن واقعیتی که تغییر ناپذیر است، سبب کاهش درد و پریشانی می‌شود. از سوی دیگر اگر فرد برای تغییر دادن خود تلاشی نکند، اعمال تکانشی جایگزین تلاش برای ایجاد تغییرات مطلوب می‌شود (لینهان، ۱۹۹۳). تحمل پریشانی به طور فزاینده‌ای به عنوان یک ساختار مهم در ایجاد بینش جدید درباره شروع و بقای آسیب‌های روانی و همچنین پیشگیری و درمان در افراد مشاهده شده است. به عبارتی افرادی که تحمل پریشانی بالایی ندارند برای مقابله با هیجانات منفی خود درگیر تلاش‌های نامناسب از جمله پرخاشگری، سرقت، سوء مصرف مواد، الکل و رفتارهای بزهکارانه می‌شوند و در به دنبال روش‌هایی هستند که در کمترین زمان این هیجانات منفی را از بین ببرند و سریعاً به لذت برسند (کنو، ریکاردی، تیمپانو، میچل و اشمیت^{۱۶}، ۲۰۱۰). در این راستا هرناندز، داندسکارا، زولنسکی، ریتزل، ماریا و همکاران^{۱۷} (۲۰۲۰) گزارش نمودند تحمل پریشانی یکی از مولفه‌های مهم در زمینه هوش هیجانی است که لازم است به آن توجه شود.

مطالعات بسیاری بر نقش خانواده و به خصوص رفتار والدین در پیش بینی هوش هیجانی تاکید نموده‌اند (توکلی زاده، رحمانی و صفرزاده، ۱۳۹۶؛ همتی علمدارلو، بیگی، انجم و رئوف، ۱۳۹۷؛ لوپز-مارتینز، مونتر-مونتر، مورنو-روئیز و مارتینز-فرر^{۱۸}، ۲۰۱۹). در همین راستا باید گفت طیف وسیعی از رفتارهای والدین در ارتباط با فرزندان نشان زیر مجموعه‌ی کارکرد تأملی^{۱۹} آن‌ها است که به عنوان فعالیتی ذهنی به منظور درک و تحلیل رفتار انسان‌ها شامل نیازها، خواسته‌ها، احساسات، اهداف، تمایلات و باورها تعریف می‌شود و درک حالت‌های روانی خود و دیگران، تمایز آن‌ها و نیز تمایز حالت‌های روانی از واقعیت‌های بیرونی را ممکن می‌سازد (فوناگی و لویتن^{۲۰}، ۲۰۰۹) و از آنجا که این سازه بیشتر در زمینه روابط نزدیک رخ می‌دهد، مطالعه آن در روابط والدین و فرزند مورد تأکید است (مینس، فرنی هاق و هریس-واکر^{۲۱}، ۲۰۱۴).

به طور کلی کارکرد تأملی نوعی شناخت اجتماعی نهفته در باطن انسان است که بیانگر گرایش فرد برای تفسیر و درک رفتارهای خود و دیگران بر اساس حالات ذهنی از قبیل افکار، احساسات، نیازها، امیال و یا حتی تصورات درست و غلط می‌باشد. این تفسیر، رفتار

¹². frustration

¹³. negative emotion

¹⁴. physical discomfort

¹⁵. Zvolensky, Vujanovic, Bernstein & Leyro

¹⁶. Keough, Riccardi, Timpano, Mitchell & Schmidt

¹⁷. Hernandez, Daundasekara, Zvolensky, Reitzel, Maria et al

¹⁸. López-Martínez, Montero-Montero, Moreno-Ruiz & Martínez-Ferrer

¹⁹. Reflective functioning

²⁰. Fonagy & Luyten

²¹. Meins, Fernyhough & Harris-Waller

¹. Marroquín

². Schoeps, Villanueva, Prado-Gascó & Montoya-Castill

³. Peña-Sarrionandia, Mikolajczak & Gross

⁴. Gutiérrez-Cobo, Cabello & Fernández-Berrocal

⁵. Worden

⁶. Veilleux, Pollert, Zielinski, Shaver & Hill

⁷. dialectical behavior therapy

⁸. Linehan

⁹. Simons & Gaher

¹⁰. ambiguity

¹¹. uncertainty

انسان‌ها را ارادی، معنادار و قابل پیش بینی می‌سازد (بلیبرگ^۱، ۲۰۱۳). پژوهشگران برای کارکرد تاملی موثر تعادل ۴ مولفه‌ی اتوماتیک در برابر کنترل شده^۲، خود در مقابل سایر افراد^۳، شاخص‌های درونی در مقابل بیرونی^۴ و شناخت در مقابل احساسات^۵، را لازم می‌دانند و معتقدند که افراد برای دستیابی به کارکرد تاملی مطلوب می‌بایست علاوه بر حفظ این تعادل، عملکرد خود را در بافت مناسب نیز تنظیم کنند (فوناگی و لایتن، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر از آنجایی که کارکرد تاملی، تکلیفی تحولی است که ظرفیت و امکان تفسیر، استنباط و معنادار کردن حالات روانی (نظیر افکار، احساسات، انگیزه‌ها، مقاصد، امیال) و رفتار خود و دیگری را فراهم می‌سازد، حرکت به سمت کارکرد مطلوب تاملی مستلزم آن است که والدین، قابلیت مشاهده‌ی تجارب درونی خودشان را داشته باشند و بدانند که چگونه وضعیت روانی آنها در خلال ارتباط با فرزند شکل می‌گیرد و در اثر تعامل با فرزند، چگونه می‌توانند در طول زمان تغییر کنند و در نهایت چگونه این وضعیت روانی، می‌تواند افکار، احساسات و رفتارهای آنان را تحت تاثیر قرار دهد (فوناگی، لویتن و آلیسون^۶، ۲۰۱۵).

فراز و نشیب در کارکرد تاملی والدین، موجب آسیب به ایفای نقش می‌شود به طوری که کارکرد ناچیز تاملی موجب ناتوانی در توجه به مدل‌های پیچیده از ذهن خود و دیگری و کارکرد بیشینه تاملی موجب تمایل به ایجاد مدل‌های ذهنی از خود و دیگری در نظر گرفت که بیشتر بیانگر توصیفاتی بسیار مشروح و طولانی است که با واقعیت قابل مشاهده هیچ ارتباطی ندارند و یا ارتباط ناچیزی دارند (فوناگی، لویتن، مولتون-پرکینز، لی، وارن و هوارد^۷، ۲۰۱۶). مادران با کارکرد تاملی مطلوب در تلاشند از انتقال آسیب‌ها و الگوهای فرزندپروری مخرب خود به نسل‌های بعدی‌شان جلوگیری نمایند و سبک دلبستگی ایمن را در فرزند خود تقویت کنند (لویتن و همکاران، ۲۰۱۷).

به این ترتیب به نظر می‌رسد والدینی که توانایی تمیز فرزند، از خود را به عنوان موجودی با ظرفیت روانی و تجربه‌های ذهنی متفاوت داشته باشند و بتوانند خود را به عنوان کسانی بشناسند که به درستی قادر به برقراری ارتباط با دنیای ذهنی و روانی نوجوان هستند (موسوی، بهرامی احسان، رستمی و سرافراز، ۱۳۹۹)، بستری را برای رشد هوش هیجانی در نوجوان خود فراهم می‌سازند. در این زمینه لویز-مارتینز و همکاران (۲۰۱۹) گزارش نمودند چگونگی ارتباطات والدین با نوجوان، نقش به سزایی در میزان هوش هیجانی آنان دارد. دیلمن، بارت سوئنس، پاو، پرینزی، وانستینکیست^۸ و لویتن (۲۰۱۹) نیز گزارش نمودند سطوح مطلوب کارکرد تاملی والدین از طریق تعدیل کمال گرایی و خودانتقادی والدین می‌تواند به شکل قابل توجهی ناتوانی در تنظیم و کنترل خود در نوجوانان را کاهش می‌دهد.

در نهایت باید بیان نمود که با توجه به سطوح پایین هوش هیجانی در نوجوانان ایرانی (قیاسی، ۱۳۹۲) و لزوم مطالعات گسترده در زمینه شناخت این سازه به منظور ارائه راهکارهای اساسی در راستای تقویت این سازه و همچنین با در نظر گرفتن مطالعات اندک در زمینه روابط مهارت‌های تنظیم هیجان، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین با هوش هیجانی نوجوانان در داخل و خارج از کشور، با توجه به زمینه نظری که برای ارتباط این سازه‌ها موجود است، محقق به منظور رفع این خلاء پژوهشی سعی در تعیین قابلیت پیش‌بینی هوش هیجانی در نوجوانان پسر بر اساس مهارت‌های تنظیم هیجان، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین را داشت و در صدد پاسخگویی به این سوال بود که آیا هوش هیجانی نوجوانان بر اساس مهارت‌های تنظیم هیجان، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین قابل پیش بینی است؟

روش

این پژوهش از نظر هدف، از نوع کاربردی و از منظر گردآوری داده، از نوع همبستگی محسوب می‌گردد. جامعه آماری پژوهش را ۱۱۳۵ زوج مادر/پدر-نوجوان پسر پایه یازدهم در ناحیه سه در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در شهر اصفهان تشکیل داده‌اند. به منظور سنجش حجم نمونه، از جدول مورگان استفاده شد. بر این اساس با احتساب حجم جامعه (N=۱۱۳۵) و احتمال خطای ۵ درصد، تعداد ۲۸۵ زوج مادر/پدر-نوجوان پسر پایه یازدهم در ناحیه سه در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در شهر اصفهان، به روش نمونه گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند؛ به این صورت که ابتدا از ۸ مدرسه دوره متوسطه دوم پسرانه شهر اصفهان در ناحیه ۳، چهار مدرسه و از این مدارس ۲ کلاس و تمام دانش آموزان این ۸ کلاس مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که ۲۹۸ پرسشنامه تکمیل شد که ۱۳ پرسشنامه مخدوش بود و به همین دلیل از روند تحلیل حذف شده‌اند. پس از جمع آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آماری در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام گرفت. در بخش توصیفی از شاخص‌های میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به روش ورود با استفاده نسخه بیست و چهارم نرم افزار SPSS استفاده شد.

^۵. cognitive - affective

^۶. Luyten, Allison

^۷. Moulton-Perkins, Lee, Warren, Howard

^۸. Dieleman, Bart Soenens, Pauw, Prinzie, Vansteenkiste

^۱. Bleiberg

^۲. automatic /implicit controlled/ explicit

^۳. self-oriented - other-oriented

^۴. internally focused - externally focused

ابزار پژوهش

پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن^۱ (EQ-i): طراحی اولین پرسشنامه هوش هیجانی توسط بار-آن در سال ۱۹۸۰ با طرح این سوال که چرا بعضی مردم نسبت به بعضی دیگر در زندگی موفق ترند آغاز گردید. در این سال مولف مفهوم تعریف و اندازه ای از هوش غیرشناختی ارائه کرد و پس از ۱۷ سال پژوهش اولین پرسشنامه هوش هیجانی ساخته شد (بار-آن، ۱۹۸۸ به نقل از فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۱). این پرسشنامه دارای ۹۰ سوال است که نخستین پرسشنامه فرا فرهنگی ارزیابی هوش هیجانی است. این آزمون در سه مرحله در ایران اجرا شده و پس از انجام برخی تغییرات در متن اصلی پرسشنامه، حذف یا تغییر بعضی سوالات و تنظیم مجدد سوالات هر مقیاس، پرسشنامه از ۱۱۷ سوال به ۹۰ سوال تقلیل یافت و در مورد کیفیت روان سنجی آن نیز اقدامات لازم به عمل آمد که در سومین مرحله اجرا، تحلیل اطلاعات در حیطه های زیر انجام گرفت (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۱). مقیاس هوش هیجانی دارای پنج مقیاس یا جنبه مهارت های درون فردی، مقابله با فشار، سازگاری و خلق کار و پانزده خرده مقیاس است. پاسخ های آزمون نیز در روی یک مقیاس ۵ درجه ای در ردیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. از بین روایی های ذکر شده برای (EQ-i) پژوهش های زیادی روی روایی سازه صورت گرفته و نتایج روایی سازه (EQ-i) را با چند پرسشنامه نشان داده مانند: پرسشنامه افسردگی بک (۱۹۸۷)، پرسشنامه کنار آمدن استرس (اندلر و پارکر ۱۹۹۰) پرسشنامه شخصیتی آیزنک (۱۹۷۵) پرسشنامه هوش هیجانی میر، سالووی و کارسو، پرسشنامه چند وجهی شخصیت مینه سوتا (MMPI-2، ۱۹۸۹) پرسشنامه ۵ عاملی (NEO) (۱۹۹۱)، پرسشنامه ۱۶ عاملی شخصیت (۱۶ P F، ۱۹۷۰) مقیاس فرا خلق صفت (۱۹۹۵)، مقیاس آلکسی تایمیای تورنتو (۱۹۹۴)، چک لیست ۹۰ نشانه ای (SCI-90، ۱۹۷۳) مقیاس خود سنجی افسردگی زونگ (۱۹۶۵). میزان آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۳ گزارش گردید این میزان (آلفای محاسبه شده در مرحله سوم) با آلفای محاسبه شده در مرحله دوم آزمون یکسان بدست آمده است. پایایی آزمون به روش زوج - فرد. برابر ۰/۹۹ گزارش گردید (به نقل از فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۱).

پرسشنامه تنظیم هیجان^۲ (ERQ): پرسشنامه تنظیم هیجان توسط جان و گراس در سال ۲۰۰۳ تهیه شده است. این مقیاس شامل ۱۰ گویه می باشد که دو خرده مقیاس ارزیابی مجدد (گویه های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶) و فرونشانی (۷، ۸، ۹، ۱۰) را اندازه گیری می کند. پاسخ ها بر اساس مقیاس هفت درجه ای لیکرت از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۷) نمره گذاری می شوند. ضریب آلفای کرونباخ برای ارزیابی مجدد ۰/۷۹ و برای فرونشانی ۰/۷۳ و اعتبار بازآزمایی برای کل مقیاس ۰/۶۹ می باشد (جان و گراس، ۲۰۰۷). ضرایب همبستگی ارزیابی مجدد با مقیاس عواطف مثبت (۰/۱۵-) و عواطف منفی (۰/۰۴) گزارش شده است (بالزوریتی^۳، جان و گراس، ۲۰۱۰).

پرسشنامه تحمل پریشانی^۴ (DTS): این پرسشنامه یک شاخص خودسنجی تحمل پریشانی هیجانی است که توسط سیونز و گاهر (۲۰۰۵) ساخته شد. این ابزار دارای ۱۵ ماده و چهار مولفه به نام های تحمل پریشانی هیجانی، جذب شدن به وسیله هیجانات منفی، برآورد ذهنی پریشانی، و تنظیم تلاش ها برای تسکین پریشانی است. در پژوهش سیمونز و گاهر (۲۰۰۵) ضرایب آلفا برای مولفه های تحمل پریشانی هیجانی، جذب شدن به وسیله هیجانات منفی، برآورد ذهنی پریشانی، تنظیم تلاش ها برای تسکین پریشانی، به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۸۲، ۰/۷۸، ۰/۷۰ و برای کل مقیاس ۰/۸۲ گزارش شد. همبستگی درون طبقه ای پس از گذشت شش ماه، ۰/۶۱ بود. همچنین، مشخص شده که این مقیاس دارای روایی ملاکی و همگرایی اولیه خوبی است. این مقیاس با پذیرش خلق رابطه مثبت و با مقیاس های راهبردهای مقابله ای استفاده از الکل و ماری جوانا و همچنین استفاده از آنها برای بهبود، رابطه منفی دارد (سیمونز و گاهر، ۲۰۰۵). در پژوهش اندامی خشک (۱۳۹۲) آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۶ به دست آمد. عزیزی، میرزایی و شمس (۱۳۸۸) نیز میزان آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۶۷ و اعتبار بازآزمایی این پرسشنامه را نیز ۰/۷۹ گزارش کردند.

پرسشنامه کارکرد تاملی والدین^۵ (PRFQ): این پرسشنامه ۱۸ ماده ای و شامل سه خرده مقیاس می باشد که از شرکت کنندگان می خواهد کنجکاوی پیرامون حالات ذهنی (سوالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶)، تلاش برای درک حالات ذهنی (سوالات ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲) و نحوه ارتباط با فرزندان (سوالات ۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸) را ارزیابی کنند. گویه های این پرسشنامه بر اساس مقیاس هفت درجه ای لیکرت نمره گذاری می شود؛ به طوری که ۱ نشان دهنده کاملاً مخالف و ۷ نمایان گر کاملاً موافق می باشد. روایی و پایایی این پرسشنامه توسط پژوهش ها تایید شده است (لویتن، فانانگی، لوئیک و ورموت^۶، ۲۰۱۳).

^۴ Distress Tolerance Scale

^۵ Parental Reflective Functioning Questionnaire

^۶ Luyten, Fonagy, Lowyck & Vermote

^۱ Bar-on Emotional Intelligence Questionnaire

^۲ Emotion Regulation Questionnaire

^۳ Balzarotti

یافته‌ها

در این بخش ابتدا اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. به همین منظور در جدول ۱، خلاصه‌ای از این اطلاعات ارائه شده است. بر اساس نتایج جدول ۱، اغلب دانش آموزان شرکت کننده در پژوهش فرزند اول و دوم خانواده و دارای وضعیت مالی متوسط و خوب بوده‌اند. همچنین ۵۸/۶ درصد از والدین شرکت کننده در پژوهش، را مادران و ۴۱/۴ درصد از والدین شرکت کننده را پدران تشکیل داده‌اند که اغلب دارای مدرک کارشناسی و بالاتر بوده‌اند.

جدول ۱. فراوانی و درصد فراوانی اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

متغیر	فراوانی	فراوانی درصدی
رتبه تولد دانش آموزان		
۱	۱۳۷	۴۸/۱
۲	۱۲۳	۴۳/۲
۳	۲۳	۸/۱
۴	۲	۰/۷
وضعیت مالی دانش آموزان		
ضعیف	۶	۲/۱
متوسط	۱۰۲	۳۵/۸
خوب	۱۴۳	۵۰/۲
عالی	۲۸	۹/۸
داده‌های گمشده	۶	۲/۱
جنسیت والدین		
زن	۱۶۷	۵۸/۶
مرد	۱۱۸	۴۱/۴
تحصیلات والدین		
دیپلم و زیر دیپلم	۴۰	۱۴
فوق دیپلم	۳۷	۱۳
کارشناسی	۱۳۴	۴۷
کارشناسی ارشد و بالاتر	۷۴	۲۶

پیش از بررسی فرضیه پژوهش، پیش فرض‌های فاصله‌ای بودن مقیاس‌ها برای متغیرهای پژوهش، نرمال بودن داده‌ها از طریق آزمون کلوموگروف-اسمیرنوف ($p > ۰/۰۵$)، عدم همخطی چندگانه از طریق شاخص‌های VIF و تحمل و استقلال باقی مانده‌ها از طریق آزمون دوربین و اتسون بررسی و برقرار بود.

در جدول ۲، ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه شده‌اند. بر اساس نتایج این جدول، بین هوش هیجانی با ارزیابی مجدد، فرونشانی، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی نوجوان پسر پایه یازدهم رابطه معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۵$).

جدول ۲. ماتریس رابطه بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	هوش هیجانی	تنظیم هیجانی		تحمل پریشانی	کارکرد تاملی
		ارزیابی مجدد	فرونشانی		
هوش هیجانی	*				
تنظیم هیجانی	۰/۲۵۳**	*			
	-۰/۳۰۴**	-۰/۴۶۸**	*		
تحمل پریشانی	-۰/۲۹۴**	۰/۱۱۵*	-۰/۱۹۳**	*	
کارکرد تاملی	۰/۲۳۹**	۰/۰۷۷	-۰/۰۱۳	۰/۱۹۶**	*

جدول ۳ خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون جهت پیش بینی هوش هیجانی در نوجوانان پسر پایه یازدهم ناحیه سه شهر اصفهان بر اساس مهارت‌های تنظیم هیجان، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول متغیرهای ارزیابی مجدد، فرونشانی، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین با ضریب رگرسیون ۰/۳۴۱ وارد معادله رگرسیون شده‌اند، توان دوم این ضریب رگرسیون و ضرب آن در عدد ۱۰۰، نشان می‌دهد که این متغیرها ۱۱/۶ درصد از هوش هیجانی را به طور معناداری پیش بینی می‌کنند ($P < 0/05$).

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون جهت پیش بینی هوش هیجانی

گام	متغیرهای وارد شده در معادله	ضریب رگرسیون	سهم کل	سهم خالص	F تبدیل شده	درجه آزادی ۲	معناداری	ضریب دوربین واتسون
۱	ارزیابی مجدد، فرونشانی، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین	۰/۳۴۱	۰/۱۱۶	۰/۱۱۶	۶/۶۸۳	۲۰۳	۰/۰۰۰۱	۱/۸۷۶

جدول ۴، نتایج تحلیل واریانس جهت ارزیابی معناداری سهم کل پیش بینی شده را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج این جدول، با تبدیل ضریب رگرسیون هر مرحله به ضریب F، مشخص می‌شود که سهم‌های کل پیش بینی شده، از لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$).

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس جهت ارزیابی معناداری سهم کل پیش بینی شده

متغیرهای وارد شده	آماره	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری
ارزیابی مجدد، فرونشانی، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین	رگرسیون	۱۱۹۲۱/۳۵۳	۴	۲۹۸۰/۳۳۸	۶/۶۸۳	۰/۰۰۰۱
باقیمانده		۹۰۵۲۴/۰۶۵	۲۰۳	۴۴۵/۹۳۱		

جدول ۵، ضرایب خام و استاندارد معادله رگرسیون برای پیش بینی هوش هیجانی در نوجوانان پسر پایه یازدهم ناحیه سه شهر اصفهان را نشان می‌دهد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده به معادله، با توجه به ضرایب t، قادر به پیش بینی معنادار هوش هیجانی در نوجوانان پسر پایه یازدهم ناحیه سه شهر اصفهان می‌باشد ($P < 0/05$).

جدول ۵. ضرایب خام و استاندارد معادله رگرسیون برای پیش بینی هوش هیجانی در نوجوانان پسر پایه یازدهم ناحیه سه شهر اصفهان

متغیر	ضرایب خام	ضرایب استاندارد	t	معناداری	آماره های هم خطی		مقدار ویژه	شاخص وضعیت
					تحمل	ضریب تورم واریانس		
عدد ثابت	۳۵۳/۶۹۱	-	۱۹/۹۲۷	۰/۰۰۱	-	-	۳/۹۲۱	۱/۰۰
ارزیابی مجدد	۱/۴۶۷	۰/۱۲۸	۲/۶۹۱	۰/۰۰۱	۰/۷۶۰	۱/۳۱۶	۰/۰۴۸	۹/۰۰۵
فرونشانی	-۱/۸۲۶	-۰/۲۶۷	-۳/۲۸۶	۰/۰۰۱	۰/۶۵۷	۱/۵۲۲	۰/۰۲۶	۱۱/۱۷۹
تحمل پریشانی	۰/۳۸۲	۰/۱۹۳	۲/۷۱۳	۰/۰۰۷	۰/۸۶۱	۱/۱۶۲	۰/۰۱۸	۱۲/۶۳۲
کارکرد تاملی والدین	۰/۶۹۷	۰/۲۵۵	۳/۷۵۸	۰/۰۰۱	۰/۹۴۲	۱/۰۶۱	۰/۰۱۵	۱۴/۹۶۸

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش پیش بینی هوش هیجانی بر اساس مهارت‌های تنظیم هیجان، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین در نوجوانان پسر پایه یازدهم ناحیه سه شهر اصفهان بود. بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد، مهارت‌های تنظیم هیجان (ارزیابی مجدد و فرونشانی)، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین قادر به پیش بینی هوش هیجانی در نوجوانان پسر پایه یازدهم ناحیه سه شهر اصفهان هستند؛ به این معنا که با افزایش ارزیابی مجدد، کاهش فرونشانی و تقویت مهارت تحمل پریشانی در نوجوانان و ارتقاء کارکرد تاملی والدین می‌توان هوش هیجانی نوجوانان را افزایش داد.

مطابق با جست و جوی محقق، نتایج این پژوهش به صورت مستقیم و غیرمستقیم با پژوهش اکستیریمرا و همکاران (۲۰۲۰)، هرناندز و همکاران (۲۰۲۰)، لویز-مارتینز و همکاران (۲۰۱۹)، دیلمن و همکاران (۲۰۱۹)، وردن (۲۰۱۹)، گوتیرز-کوبو و همکاران (۲۰۱۶)، ویلکس و همکاران (۲۰۱۶)، پنا-ساریوناندا و همکاران (۲۰۱۵)، همتی علمدارلو و همکاران (۱۳۹۷) و توکلی زاده و همکاران (۱۳۹۶) همسو می‌باشد.

در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان به نظریه گلمن (۲۰۰۰) اشاره کرد. بنا به نظر گلمن (۲۰۰۰)، ترجمه‌ی پارسا، (۱۳۸۹) هوش هیجانی شامل عناصر درونی و بیرونی است و ۵ حوزه اعم از آگاهی از هیجانات خود، کنترل هیجانات، خودانگیختگی، تشخیص هیجانات دیگران و کنترل روابط می‌باشد. تعریفی که گلمن برای آگاهی از هیجانات خود در نظر گرفته است، درک عمیق و روشن از احساسات، هیجانات، نقاط ضعف و قابلیت‌ها، و نیازهاست. فردی که خودآگاهی بیشتری دارد مهارت بیشتری در هدایت و کنترل هیجانات خود دارد. این محقق معتقد است که کنترل و تنظیم هیجانی پیامد خودآگاهی است و به تبع فردی که خودآگاهی بالاتری دارد در حوزه دوم هوش هیجانی نیز بهتر عمل می‌کند که این موضوع در این پژوهش نیز تایید شد. از نظر گلمن (۱۹۹۵) خودانگیختگی نیز تمرکز بر هیجانات به منظور نیل به اهداف است. افراد دارای ویژگی خودانگیختگی، در به تاخیر انداختن هیجانات خود، برای حرکت به سوی مولد و موثر بودن کارآمد هستند (گلمن، ۲۰۰۰، ترجمه‌ی پارسا، ۱۳۸۹) و مهارت‌های خودتنظیمی در پرورش این خصوصیت، مهارت‌هایی اساسی هستند. به علاوه از نظر گلمن (۲۰۰۰) تشخیص هیجانات دیگران و کنترل روابط نیز با مهارت‌های تنظیم هیجان ارتباط تنگاتنگی دارد. در این رابطه می‌توان گفت دستیابی به سرنخ‌های ظریف اجتماعی و تعامل‌هایی که بیانگر نیازها و خواسته‌های دیگران است، نیازمند تبحر کافی در شناسایی و قابلیت بالای کنترل هیجانات خود است. همچنین کنترل روابط توانایی مشترک تنظیم هیجانات و تعامل سازگاران با سایرین است. گلمن در این رابطه بیان می‌کند یک فرد باید توانایی تشخیص، تفکیک، کنترل و تنظیم هیجانات خود را داشته باشند، تا بتواند بر روابط خود با دیگران کنترل داشته باشد. به این ترتیب مهارت‌های تنظیم هیجان به دلیل نقش اساسی که در برانگیختگی هیجانی، بازنشانی هیجانی، جهت‌گیری درست هیجانی، به تعویق انداختن هیجانی و عملکرد مناسب و سازگاران دارد قادر به پیش بینی هوش هیجانی است (تاشک، ۱۳۹۰). این بخش از یافته‌های پژوهش را می‌توان همسو با نظریه گلمن دانست.

همچنین می‌توان بیان نمود از نظر روزانوایگ (۱۹۴۴)، تحمل پریشانی قابلیت فرد در مقاومت در برابر استرس است بدون این‌که در سازگاری روان‌شناختی اشکالی ایجاد شود، یعنی مقاومت فرد در مقابل استرسورها بدون اینکه به شیوه‌های ناپسند رفتاری دست بزنند. ناتوانی در تحمل پریشانی به آشفتگی روانی، ناسازگاری و مشکلاتی در روابط بین اشخاص می‌انجامد (به نقل از کرمی، ۱۳۸۸). تحمل پریشانی ممکن است به عنوان تابعی از شدت حالت برانگیختگی، پاسخ‌های هیجانی در دسترس و پیامدهای ادراک شده است (شجاعی، ۱۳۹۵). ویلکس و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند یکی از مهارت‌های تحمل پریشانی، هوش هیجانی است. به بیانی روشن‌تر فردی که به دلیل هوش هیجانی بالاتر، توانایی خودآگاهی و خودکنترلی بیشتری دارد، قابلیت بیشتری در تمرکز بر هیجانات مثبت و فرونشانی شرایط دردناک داشته و در نتیجه پریشانی را آسان‌تر از سایر افراد بدون این قابلیت‌ها، تحمل می‌کند. از سوی دیگر فردی که مهارت‌های تحمل پریشانی را دارد، زمانی که دچار درد هیجانی و روحی می‌شود، احساس ناکامی و شکست نمی‌کند و سعی می‌کند تا از طریق راهبردهای مقابله‌ای کارآمد هر چند موقتی، با کاهش هیجاناتی که فقط شرایط را سخت‌تر می‌کنند و مشکلات بیشتری را به ارمغان می‌آورند، بتواند بدون اجتناب از درد و رنج، از هیجانات خود آگاه شده و بهتر آنها را کنترل نمایند و به این ترتیب هوش هیجانی بالاتری را نشان می‌دهند.

به علاوه می‌توان گفت ناتوانی والدین در شناخت وضعیت روانی نوجوان می‌تواند منجر به ناتوانی وی در تنظیم هیجان و ناتوانی در خودآگاهی و خودکنترلی و در نهایت کاهش تظاهرات هوش هیجانی شود. کارکرد تاملی والدینی، مهارتی است که می‌تواند از بروز این مشکلات جلوگیری کند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۹). پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که نوع صفات و رفتارهایی که والدین در قبال رفتار نوجوانان خود اتخاذ می‌کنند، به ظرفیت آنها برای تفکر درباره فرایندهای ذهنی زیربنایی هیجانات و رفتارهای بیان شده نوجوانان مرتبط است (شارپ و فوناگی، ۲۰۰۸). به بیانی دیگر کارکرد تاملی به واسطه درگیر کردن درک والدین در افکار، هیجانات و رفتارهای نوجوان در یک چهارچوب تکاملی، قابلیت درک آنان از احساسات و هیجانات خود را بالا برده و در کنترل هیجانات اثرات قابل توجهی دارد (اردوی، سادلو، دیکسون و

اسلید^۱، ۲۰۱۴). ظرفیت کارکرد تاملی می‌تواند به والدین کمک کند تا کنجکاو بمانند و در رابطه با فرزند خود ذهن خود را باز نگه داشته و مهارت‌های والدینی خود را برای مشاهده و کنترل نیازهای هیجانی نوجوان ارتقا دهند. کارکرد تاملی در والدین به آنان این امکان را می‌دهد که حالات ذهنی اعم از افکار، هیجانات، درک و تفسیر نوجوان خود را بشناسند و بر اساس شناخت خود، افکار و هیجانات خود را بروز دهند (الن، فونانگی و بیتمن^۲، ۲۰۰۸). به بیانی ساده‌تر کارکرد تاملی بهینه و انعطاف پذیر در والدین باعث می‌شود تا بتوانند با ادغام شناخت و عاطفه در برخورد با نوجوان خود، پردازشی متفکرانه‌تر و غیر جانبدارانه داشته (فونانگی و لایتن، ۲۰۰۹) و برای مشاهده و کنترل نیازهای هیجانی فرزندشان به صورت دائمی تلاش کنند (شارپ و فونانگی، ۲۰۰۸). در برخورد با نقاط ضعف نوجوان خود اعم از ضعف در خودآگاهی و خودکنترلی، منطقی عمل نموده و در صورت رویارویی با تغییر هدف‌های نوجوان خود در این دوران بحرانی برانگیخته نشده و سعی نمایند بدون آسیب به هیجانات فرزندانشان، مسیر را برای انتخاب درست روشن نمایند. این ویژگی مسلماً به افزایش تظاهرات هوش هیجانی در نوجوانشان خواهد انجامید که در این پژوهش نیز تایید شده است.

این پژوهش مانند سایر مطالعات انجام گرفته دارای محدودیت‌هایی می‌باشد. به عنوان اولین محدودیت باید گفت نمونه‌ی پژوهش حاضر شامل والد-نوجوانان پسر پایه یازدهم ناحیه سه شهر اصفهان بود که این موضوع تا حدی تعمیم نتایج به سایر گروه‌ها را با محدودیت مواجه می‌کند. همچنین در روش همبستگی (روش پژوهش حاضر) الزاماً روابط علت و معلولی شناسایی نمی‌شود، بلکه فقط هدف آن است که مشخص شود کدام متغیر با کدام متغیر دیگر به طور نسبی در جهت مثبت یا منفی همگام است که این موضوع از جمله محدودیت‌های این پژوهش بود. همچنین این روش با مقایسه با روش تحقیق تجربی، از کنترل کمتری در مورد متغیرهای مستقل برخوردار است که این موضوع نیز از محدودیت‌های مطالعه حاضر بود. به این ترتیب بر اساس محدودیت‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود تا پژوهشی با همین موضوع در اقشار دیگر جامعه انجام شود تا معیاری برای مقایسه نتایج فراهم شود. همچنین پیشنهاد می‌شود تا از طریق روش‌های علی مقایسه‌ای و یا نیمه آزمایشی، روابط علت و معلولی این سازه‌ها مشخص شود. در نهایت به متخصصان و متولیان امر پیشنهاد می‌شود در تدوین برنامه‌های آموزشی جهت ارتقاء هوش هیجانی نوجوانان، بر مهارت‌های تنظیم هیجان، تحمل پریشانی و کارکرد تاملی والدین تمرکز نمایند.

سپاسگزاری

از تمامی شرکت کنندگان در پژوهش کمال تشکر و قدردانی را داریم.

2. Allen, Fonagy & Bateman

1. Ordway, Sadler, Dixon & Slade

مراجع

مراجع

- اندامی خشک، ع. ر (۱۳۹۲) نقش واسطه‌ای تاب آوری در رابطه بین تنظیمی شناختی هیجان و تحمل‌پیشانی با رضایت از زندگی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- بیرامی، م؛ بخشی پور، ع؛ محمود علیلو، م و اقبالی، ع (۱۳۹۳) مقایسه تأثیر دو روش آموزش تنظیم هیجان و شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی، بر پیشانی روانشناختی و راهبردهای شناختی تنظیم هیجان مادران کودکان عقب‌مانده ذهنی. پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۹ (۳۳): ۴۳-۵۹.
- تاشک، ا (۱۳۹۰) بررسی مدل خود تنظیم‌گری سازگاری با درد در بیماران سرطانی: نقش برون‌گرایی، نوروز گرایی، راهبردهای تنظیم هیجان و مقابله. رساله دکترای روانشناسی سلامت، دانشگاه تهران.
- توکلی زاده، ج؛ رحمانی، م و صفرزاده، س (۱۳۹۶) هوش هیجانی دانش آموزان: تعیین نقش پیش بینی کننده قاطعیت و پرخاشگری والدین. ۲۴ (۱۵۵): ۷۳-۸۲.
- شجاعی، پ (۱۳۹۵) بررسی تأثیر واقعیت درمانی بر تحمل ناکامی زنان افسرده. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد خوراسگان.
- عزیزی، ع. ر؛ میرزایی، الف و شمس، ج (۱۳۸۸) بررسی رابطه تحمل آشفتگی و تنظیم هیجانی با میزان وابستگی دانشجویان به سیگار. مجله پژوهشی حکیم، ۱۱ (۱): ۱۸-۱۳.
- فتحی آشتیانی، ع و داستانی، م (۱۳۹۱) آزمون‌های روانشناختی: ارزشیابی شخصیت و سلامت. تهران: بعثت.
- قیاسی، ب (۱۳۹۲) بررسی رابطه بین هوش هیجانی و تنظیم شناختی هیجان با سلامت روان در دانش آموزان متوسطه شهر زرقان. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرو دشت، ایران.
- کارتر، ف (۲۰۱۰) هوش هیجانی خود را بسنجید. ترجمه محمود امیری نیا و پریسا آقازاده. (۱۳۹۳). تهران: نشر آراسته.
- کرمی، ا (۱۳۸۸) آزمون تحمل ناکامی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- گلن د (۲۰۰۰) هوش عاطفی، خود آگاهی هیجانی، خویشتن داری، همدلی و یاری به دیگران. ترجمه نسرين پارسا. (۱۳۸۹). تهران انتشارات رشد.
- گنجی، ح (۱۳۹۴) آزمون‌های روانی. تهران: انتشارات ساوالان.
- لشکری، ح و نوری امامزاده ای، ا (۱۳۹۵) هوش عاطفی کاربردی. قم: انتشارات ابوالحسنی.
- محمودی، ط؛ بساک نژاد، س و مهرابی زاده هنرمند، م (۱۳۹۵) اثربخشی آموزش مدیریت خشم با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر بر راهبردهای شناختی تنظیم هیجان و نشخوار خشم در دانشجویان دختر. مجله دست‌آوردهای روانشناختی، ۲۳ (۲): ۱۳۷-۱۵۶.
- مقیسه، م و عبداللهی، ع (۱۳۹۷) مقایسه تحمل‌پیشانی و عواطف مثبت و منفی بین افراد وابسته به مواد و عادی. فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد.. فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۵ (۱۹): ۶۵-۷۸.
- موسوی، و؛ بهرامی احسان، ه؛ رستمی، ر؛ سرافراز، م. (۱۳۹۹). مروری بر مداخلات مبتنی بر ذهن‌سازی و کارکرد تأملی والدینی (PRF)؛ مقدمه‌ای بر معرفی روش‌های نوین. رویش روان‌شناسی، ۹ (۲): ۱۵-۲۶.
- ناصرقلی بافقی، ن؛ ملائی، ح و حسن زاده، ع (۱۳۹۵) پیش بینی هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی بر اساس سبک‌های دلبستگی. دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۲۳ (۳): ۳۹۸-۴۰۴.
- همتی علمدارلو، ق؛ محمداسماعیل بیگی، ح؛ شعاع، ا؛ رئوف، م (۱۳۹۷) نقش الگوهای ارتباطی خانواده در پیش بینی هوش هیجانی دانش‌آموزان با اختلال یادگیری خاص. فصلنامه سلامت روان کودک، ۵ (۳): ۱۱۵-۱۲۵.

- Allen, J. G., Fonagy, P & Bateman, A. W (2008) Mentalizing in clinical practice. American Psychiatric Pub.
- Balzarotti, S., John, O. P., & Gross, J. J. (2010). An Italian adaptation of the emotion regulation questionnaire. *European Journal of Psychological Assessment*.
- Bleiberg, E (2013) Mentalizing-based treatment with adolescents and families. *Child and Adolescent Psychiatric Clinics*, 22(2): 295-330.
- Dieleman, L., Bart Soenens, B., Pauw, S., Prinzie, P., Vansteenkiste, M (2019) Daily Sources of Autonomy-Supportive and Controlling Parenting in Mothers of Children with ASD: The Role of Child Behavior and Mothers' Psychological Needs. *J Autism Dev Disord*, 49(2):509-526.
- Drigas, A. S & Papoutsi, C (2018) A New Layered Model on Emotional Intelligence. *Behavioral sciences (Basel, Switzerland)*, 8(5): 45
- Esnaola, I., Revuelta, L., Ros, I., & Sarasa, M (2017) The development of emotional intelligence in adolescence. *Anales de Psicología*, 33(2): 327-333.
- Extremera, N., Sánchez-Álvarez, N., Rey, L (2020) Pathways between Ability Emotional Intelligence and Subjective Well-Being: Bridging Links through Cognitive Emotion Regulation Strategies. *Sustainability*, 12: 2111.
- Fonagy, P., & Luyten, P (2009) A developmental, mentalization-based approach to the understanding and treatment of borderline personality disorder. *Dev Psychopathol*, 21(4): 1355-1381.

- Fonagy, P., Luyten, P & Allison, E (2015) Epistemic petrification and the restoration of epistemic trust: A new conceptualization of borderline personality disorder and its psychosocial treatment. *Journal of Personality Disorders*, 29(5): 575-609.
- Fonagy P, Luyten P, Moulton-Perkins A, Lee Y-W, Warren F, Howard S, et al (2016) Development and Validation of a Self-Report Measure of Mentalizing: The Reflective Functioning Questionnaire. *PLoS ONE* 11(7): e0158678. doi:10.1371/journal.pone.015867
- García-Sancho, E., Salguero, J. M., & Fernández-Berrocal, P (2014) Relationship between emotional intelligence and aggression: A systematic review. *Aggression and Violent Behavior*, 19(5): 584–591.
- Gross, J. J., Sheppes, G., & Urry, H. L (2011) Cognition and emotion lecture at the 2010 SPSP Emotion Preconference: Emotion generation and emotion regulation: A distinction we should make (carefully). *Cognition & emotion*, 25(5): 765-781.
- Gutiérrez-Cobo, M., Cabello, R & Fernández-Berrocal, P (2016) The Relationship between Emotional Intelligence and Cool and Hot Cognitive Processes: A Systematic Review. *Front Behav Neurosci*, 10: 101.
- Hernandez, D.C., Daundasekara, S.S., Zvolensky, M.J., Reitzel, L.R., Maria, D.S., Alexander, A.C., Kendzor, D.E., Businelle, M.S (2020) Urban Stress Indirectly Influences Psychological Symptoms through Its Association with Distress Tolerance and Perceived Social Support among Adults Experiencing Homelessness. *Int. J. Environ. Res. Public Health*, 17: 5301.
- John, O.P & Gross, J.J (2004) Healthy and Unhealthy Emotion Regulation: Personality Processes, Individual Differences, and Lifespan Development. *Journal of Personality*, 72: 1301-1334.
- Kashdan, T. B & Rottenberg, J (2010) Psychological flexibility as a fundamental aspect of health. *Clin psychol rev*, 30(7): 865-878
- Keough, M. E., Riccardi, C. J., Timpano, K. R., Mitchell, M. A., & Schmidt, N. B (2010) Anxiety symptomatology: The association with distress tolerance and anxiety sensitivity. *Behavior therapy*, 41(4): 567-574.
- Linehan, M. M (1993) Dialectical behavior therapy for treatment of borderline personality disorder: implications for the treatment of substance abuse. *NIDA research monograph*, 137: 201-201.
- López-Martínez, P., Montero-Montero, D., Moreno-Ruiz, D., Martínez-Ferrer, B (2019) The Role of Parental Communication and Emotional Intelligence in Child-to-Parent Violence. *Behav. Sci.* 9, no. 12: 148. <https://doi.org/10.3390/bs9120148>
- Luyten, P., Fonagy, P., Lowyck, B., & Vermote, R (2012) Assessment of mentalization. In A. Bateman & P. Fonagy (Eds.), *Handbook of mentalizing in mental health practice*. Washington, DC: American Psychiatric Association.
- Marroquín, B (2011) Interpersonal emotion regulation as a mechanism of social support in depression”. *Clin Psychol Rev*, 31(8): 1276-1290
- Meins, E., Fernyhough, C., & Harris-Waller, J (2014) Is mind-mindedness trait-like or a quality of close relationships? Evidence from descriptions of significant others, famous people, and works of art. *Cognition*, 130(3): 417-427.
- Ordway, M. R., Sadler, L. S., Dixon, J., & Slade, A (2014) Parental reflective functioning: analysis and promotion of the concept for paediatric nursing. *Journal of clinical nursing*, 23(23-24): 3490-3500.
- Peña-Sarrionandia, A., Mikolajczak, M., & Gross, J. J (2015) Integrating emotion regulation and emotional intelligence traditions: A meta-analysis. *Frontiers in Psychology*, 6, Article 160.
- Sandhu, T., & Kapoor, S (2013) Implications of personality types for emotional regulation in young women. *Personal Typ Emotion Reg*, 1(4): 34-39
- Schoeps, K., Villanueva, L., Prado-Gascó, V. J., & Montoya-Castilla, I (2018) Development of emotional skills in adolescents to prevent cyberbullying and improve subjective well-being. *Frontiers in Psychology*, 9, Article 2050.
- Sharp, C & Fonagy, P (2008). *Social cognition and developmental psychopathology*. Oxford University Press.
- Simons, J. S., Gaher, R. M (2005) The distress tolerance scale: Development and validation of a self-report measure. *Motivation and Emotion*, 20 (9): 83-102.
- Veilleux, J., Pollert, G., Zielinski, M., Shaver, J & Hill, M. (2017). Behavioral Assessment of the Negative Emotion Aspect of Distress Tolerance: Tolerance to Emotional Images. Article first published online, 26(3): 386-403.
- Vimz, B, & Pina, W (2010) The assessment of emotion regulation: Improving construct validity in research on psychopathology in youth. *Journal of Psychological Behaviour assessment*, Published online.
- Worden, B (2019) Perceived emotion regulation and emotional distress tolerance in patients with hoarding disorder. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 22: 100441.
- Zvolensky, M. J., Vujanovic, A. A., Bernstein, A., & Leyro, T (2010) Distress tolerance: Theory, measurement, and relations to psychopathology. *Current Directions in Psychological Science*, 19(6): 406-410.

Predicting Emotional Intelligence based on Emotion Regulation Skills, Stress Tolerance and Parental Reflection Functioning in 11th grade boys in the third district of Isfahan

Abstract

Emotional intelligence in adolescents can lead to a better transition from adolescence; Thus, it seems that by recognizing the factors related to emotional intelligence in adolescents, it is possible to take effective steps in the field of education and upbringing of this group. Therefore, the purpose of this study was to predict emotional intelligence based on emotion regulation skills, stress tolerance and parental reflection function in 11th grade boys in the third district of Isfahan, which was done by correlation method. The statistical population of the study consisted of 1135 mother/father-adolescent couples of 11th grade boys in District 3 in the academic year 2020 in Isfahan. The sample of the study, according to Morgan table, were 285 mother / father-adolescent male couples who were selected by cluster sampling. The research instruments were Emotional Intelligence Questionnaire (EQ-i), Emotion Regulation Questionnaire (ERQ), Distress Tolerance Questionnaire (DTS) and Parents' Reflective Functioning Questionnaire (PRFQ). Statistical analysis was performed by multiple regression method using the 24th version of SPSS software. The results showed that anxiety tolerance, reassessment, suppression and reflective functioning of parents are able to significantly predict emotional intelligence in adolescents ($p < 0.05$). Adolescents' emotional intelligence seems to be affected by parents' emotion regulation skills, stress tolerance, and reflective functioning. Also, based on the results of the research, among the dimensions of emotion regulation skills (re-evaluation and suppression), among the dimensions of anxiety tolerance (tolerance of emotional distress and absorption by negative emotions) and among the dimensions of contemplative function (curiosity about moods) Mental and trying to understand mental states) have the ability to predict emotional intelligence ($p < 0.05$).

Keywords: Emotional Intelligence, Emotion Regulation Skills, Distress Tolerance, Reflective Function